

کتاب ایوب

جلسه ۱۵: ایوب ۱۹:۲۵ - من می‌دانم که نجات‌دهنده‌ام زنده است

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۵، ایوب ۱۹:۲۵ است.

مقدمه: ایوب ۱۹:۲۵ [۲:۰۲-۰۰:۲۳]

در اواسط فصل ۱۹، در سخنرانی ایوب، در پاسخ به بلدد، یکی از آشناترین آیات کتاب ایوب آمده است. آمده است، می‌گوید: «می‌دانم که نجات‌دهنده‌ام زنده است و در نهایت، بر زمین NIV همانطور که در ترجمه خواهد ایستاد. و پس از آنکه پوستم از بین برود، اما در جسمم، خدا را خواهم دید؛ من خودم او را با چشمان خودم خواهم دید - من، و نه دیگری. چقدر دلم در درونم مشتاق است.» خب، اینجا چه خبر است؟ و البته، این آیات به دلیل مسیح هندل و آن آهنگ فوق‌العاده، «می‌دانم نجات‌دهنده‌ام زنده است»، بسیار آشنا هستند. بنابراین، چگونه باید این آیه را تفسیر کنیم؟ خب، بیایید آن را بررسی کنیم.

اول از همه، باید این موضوع را در ارتباط با اشارات فراوان ایوب که قبلاً به آنها اشاره شده است، فهمید، جایی که او به یک وکیل مدافع مربوط به پرونده حقوقی خود اشاره می‌کند. او به دنبال کسی است که نماینده او در پیشگاه خدا باشد، کسی که پرونده او را به عهده بگیرد، سهم او را بگیرد و از او دفاع کند. این کلمه دیگری است که این موضوع را القا می‌کند. ایوب کلمات زیادی برای اشاره به این موقعیت استفاده می‌کند. و البته، این فقط یکی از آنهاست. چندین کلمه دیگر نیز در کتاب وجود دارد. در واقع، همه آنها بر همان نوع نقش کسی که سهم ایوب را بر عهده می‌گیرد، تمرکز دارند.

مدافع = تجسم فریاد ایوب [۲:۰۲-۲:۴۴]

حال، باید این سوال را پرسیم که ایوب به دنبال چه نوع مدافعی است و انتظار دارد چه کسی این نقش را ایفا کند؟ او انتظار دارد این مدافع از کجا بیاید؟ تفسیر دی‌جی کلاین، که تفسیری عالی است، سعی می‌کند مدافع را به صورت غیرشخصی به عنوان تجسمی از فریاد بی‌گناهی ایوب درک کند. او فکر می‌کند که خود آن فریاد، بدون صدایی که به آن صدا بخشیده، به نوعی پابرجا خواهد ماند و آن صدا، وقتی ایوب برود، مدافع او خواهد بود.

دیدگاه نسبی خدا یا انسان [۳:۴۹-۲:۴۴] = [goel] مدافع

دیدگاه دوم، که سنتی‌تر و بسیار رایج‌تر است، این است که خدا وکیل مدافع است، اما این البته کاملاً مشکل‌ساز است. یک میانجی نمی‌تواند یکی از طرفین باشد، به خصوص کسی که متهم به بی‌عدالتی است. منطقی نیست که او وکیل مدافع خودش باشد، در حالی که خودش متهم است.

برخی دیگر پیشنهاد داده‌اند که نقش مدافع توسط یکی از بستگان انسانی ایفا خواهد شد. کلمه عبری که به عنوان یک عملکرد قانونی خاص در طوایف جامعه عبری *goel* □□□ و *goel* □ نجات‌دهنده" ترجمه می‌شود" داشت. آنها کسانی بودند که از حقوق خانواده دفاع می‌کردند. بنابراین، این ایده که این یک خویشاوند انسانی باشد تا حدودی کلمه‌ای را که استفاده می‌شود، منطقی می‌کند، اما ما یک مشکل داریم. همه بستگانش او را ترک کرده‌اند. بنابراین، فکر کردن به اینکه او به یک مدافع از آن رده‌ها امیدوار باشد، بسیار دشوار است.

اليهو ويو [4:14-3:49] = [goel] مدافع

،وقتی بعداً به سخنرانی الیهو می‌رسیم، الیهو خود را به عنوان مدافع معرفی می‌کند. او همانطور که خواهیم دید، به عنوان کسی معرفی می‌شود که نظر بالایی نسبت به خود دارد، اما او خود را اینگونه نشان می‌دهد، اما نتیجه‌ای متفاوت از آنچه ایوب در ذهن دارد، در ذهن دارد. الیهو توجیه را پایان آن نتیجه نمی‌بیند. بنابراین، این نوع □□□□ □□□□ که ایوب به دنبال آن است.

عضو شورای الهی [6:49-4:14] = [goel] وکیل

به نظر من، محتمل‌ترین گزینه این است که ایوب به دنبال یک وکیل مدافع از اعضای شورای الهی است. او به دنبال کسی است که برخیزد و سهم او را در قلمرو آسمانی، جایی که تصمیمات گرفته می‌شود، بر عهده بگیرد. این گزینه‌ای است که الیهو در ایوب ۳۳، آیات ۲۳ و ۲۴ به آن اشاره می‌کند. همچنین این گزینه‌ای است که الیفاز در اوایل فصل ۵ آیه ۱ و در آیات ۲۲ و ۲ و ۳ آن را رد کرد، جایی که الیفاز اساساً گفت: «روی آن حساب نکن. این برای تو جواب نخواهد داد.» و این نشان می‌دهد که این یک احتمال نظری است. با آیات ۲:۲۲ و ۳، من ترجمه‌ی مجددی از آن دارم. باز هم، چند آیه‌ی بسیار دشوار، و من آن را ترجمه می‌کردم؛ باز هم نمی‌توانم از آن اینجا دفاع کنم؛ آن را در تفسیر من خواهید یافت. «آیا یک میانجی خردمند می‌تواند برای انسانی که به نمایندگی از خدا خدمت می‌کند، فایده‌ای داشته باشد؟ آیا چنین میانجی می‌تواند برای انسان فایده‌ای داشته باشد؟ آیا خدا به او پاسخ مساعد خواهد داد؟ وقتی خودتان را توجیه می‌کنید، آیا وقتی که شرح کاملی از راه‌هایتان ارائه می‌دهید، سودی خواهید برد؟» این همان ادعای الیفاز است که «واقعاً این شما را به جایی نمی‌رساند.» واقعاً، و می‌دانید، او اینجا نکته‌ای دارد. اثبات اشتباه خدا نتیجه‌ی معکوس می‌دهد. می‌دانید، در نهایت چیزی است که در مورد کل آن گزینه رضایت‌بخش نخواهد بود. سپس متوجه می‌شویم که ایوب عمیقاً آرزوی نوعی وکیل یا میانجی را دارد که به کمکش بیاید. طعنه‌آمیز است که او از صحنه بهشت خبر ندارد، در حالی که دقیقاً یکی از اعضای دادگاه آسمانی که در حضور خدا حاضر شد، کل این فرآیند را آغاز کرد. یک وکیل مدافع از قبل درگیر بوده است، چالشگر، اما او سیاست‌های خدا را به چالش

می‌کشید و ایوب را درگیر این مخمصه کرد. بعید است که ایوب بتواند شخص دیگری را پیدا کند. حتی اگر این کار را می‌کرد، نمی‌توانست پیروز شود. اگر به طور اتفاقی پیروز می‌شد، نتیجه ویرانگر می‌بود زیرا اگر ایوب در مورد خدا درست بگوید و با کمک یک میانجی، خدا را مجبور به اعتراف به اشتباه کند، در نهایت خدا شایسته پرستش نخواهد بود. اگر ایوب از این استراتژی استفاده کند و پیروز شود، خدا بازنده خواهد بود.

عیسی نیست [8:01-6:49] [goel] نجات دهنده

خب، اینجا در ایوب ۱۹:۲۵ تا ۲۷ چه داریم؟ خیلی‌ها کلمه «نجات‌دهنده» را شنیده‌اند. و مخصوصاً وقتی می‌بینند که در بعضی ترجمه‌ها با حروف بزرگ نوشته شده، فرض می‌کنند که نجات‌دهنده، عیسی است. چون، بالاخره ما عیسی را به عنوان نجات‌دهنده خود می‌شناسیم. زبان عبری حروف بزرگ ندارد. بنابراین بزرگ‌نویسی تفسیر است. و مسیح همدل، هر چقدر هم که یک اثر موسیقایی زیبا باشد، راهنمای ما برای تفسیر نیست.

آیا ایوب نیاز به کسی مانند عیسی را بیان می‌کند؟ آیا او چنین مدافعی را می‌خواهد؟ هیچ نویسنده‌ای از عهد جدید در فصل ۱۹ به ارتباط بین عیسی و ایوب اشاره نمی‌کند. بنابراین، ما واقعاً باید در چارچوب خود ایوب کار کنیم. هیچ متن یا نویسنده‌ای از عهد جدید تفسیری جامع و کامل ارائه نمی‌دهد.

نقش یک □□□□ تبرئه است نه بخشش [وکیل/نجات دهنده] [۸:۰۱-۱۰:۳۴]

گوئل □ دوباره، این کلمه به معنای نجات‌دهنده ترجمه شده است، □□□□ کسی است که از طرف دیگری وارد یک وضعیت قانونی می‌شود. این کاری است که □□□□ انجام می‌دهد. اگر خطایی در کار باشد، □□□□ به جای اینکه از طرف کسی وارد عمل شود و خطایی را که آن شخص مرتکب شده است اصلاح کند، آن خطا را جبران می‌کند. □□□□ سعی می‌کند خطایی را که در حق کسی انجام شده است، اصلاح کند. این البته وضعیت ایوب است. او احساس می‌کند که در حق او خطایی شده است.

یک □□□□ به نمایندگی از طرف کسی برای اصلاح اشتباهی که مرتکب شده است، کار نمی‌کند. این کاری است که عیسی انجام داد، اما این واقعاً نقشی نیست که ما پیدا می‌کنیم. ایوب در اینجا یک مدافع، یک □□□□ و نجات‌دهنده می‌خواهد که نشان دهد بی‌گناه است. او به دنبال کسی نیست که او را از خطاهایی که مرتکب شده نجات دهد. او متقاعد شده است که هیچ کاری نکرده است که سزاوار رفتار باشد که با او شده است. او به دنبال کسی نیست که او را از خطاهایش نجات دهد. اگر به خطاهایش اعتراف کند، بازی را باخته است. او می‌خواهد که در تاریخ ثبت شود که هیچ کاری نکرده است که سزاوار رنجش باشد؛ این نقش نجات‌دهنده‌ای نیست که عیسی

بازی می‌کند. در واقع، برعکس است. ایوب متقاعد شده است که گوشش □□□□ است. "من می‌دانم که □□□□□□□□□□. "زنده است"

این ربطی به رستاخیز عیسی ندارد. او همین الان برای ایوب زندگی می‌کند. این چیزی است که ایوب به آن متقاعد شده است. و آن □□□□ موضع خواهد گرفت. این فعل به معنای ادبی برای شهادت دادن استفاده می‌شود. او از طرف من شهادت خواهد داد. او انتظار دارد که □□□□ به توده کود او برسد. این همان غباری است که اینجا به آن اشاره دارد. بنابراین، او انتظار دارد که مدافع به اینجا بیاید.

با این حال در جسم [۱۲:۲۷-۱۰:۳۴]

بنابراین، سه تفسیر از این ایده که «پس از آنکه پوستم نابود شد، اما در جسم خدا را خواهم دید» وجود دارد. برخی فکر می‌کنند که ایوب انتظار رستاخیز دارد. هیچ چیزی در عهد عتیق وجود ندارد که از این نوع انتظار پشتیبانی کند. برخی فکر می‌کنند که ایوب انتظار تبرئه پس از مرگ را دارد. اینکه حتی پس از مرگ، به نحوی تبرئه خواهم شد. برخی دیگر فکر می‌کنند که ایوب انتظار یک مهلت در آخرین لحظه را دارد. این مسیری است که من در تفسیر خود به آن گرایش دارم. وقتی او در مورد «پس از آنکه پوستم نابود شد» صحبت می‌کند، فکر می‌کنم به کندن پوستش اشاره دارد، همانطور که خودش را با یک تکه سفال که پوستش را می‌تراشد، می‌خراشد. بنابراین، حتی بعد از اینکه همه چیز از بین رفت، اگر اینجا بنشینم و خودم را پوست بکنم، تا زمانی که همه چیز از بین برود "در جسم، خدا را خواهم دید". این یعنی که مورد لطف خدا قرار خواهم گرفت. دیدن خدا به معنای بازگشت به لطف اوست. اگرچه پوستش از بین رفته است، این اغراق است؛ او در حال کندن آن بوده است، اما بازگشت خدا را در جسم خواهد دید. پوست/گوشت خیلی خوب درست شده - قبل از اینکه بمیرد. ایوب هیچ امیدی به بهشت ندارد. دیدن خدا به بازگشت به لطف اشاره دارد و اینکه او دیگر غریبه، بیگانه و محروم از لطف نخواهد بود.

خلاصه نقل به مضمون [۱۲:۲۷-۱۳:۰۸]

بنابراین، من آن را به این شکل خلاصه می‌کنم. من کاملاً معتقدم که کسی، شاید از شورای الهی، اما نامشخص کسی در جایی وجود دارد که در پایان همه اینها، همین جا، روی تل کود من، از طرف من شهادت خواهد داد. با وجود پوست کنده شدنم، انتظار دارم به اندازه کافی زنده بمانم تا در جسم خودم در برابر خدا حاضر شوم. مورد لطف او قرار خواهم گرفت و دیگر مانند یک غریبه با من رفتار نخواهد شد. این عمیق‌ترین آرزوی من است؛ ضمناً، رفاه هیچ ارتباطی با آن ندارد.

تأکید ایوب: تبرئه، نه بخشش [۱۳:۰۸-۱۴:۰۳]

این یک تأیید مهم از جانب ایوب است. ما وقتی سعی می‌کنیم عیسی را به عنوان نجات‌دهنده قرار دهیم، کاملاً از آن غافل می‌شویم. عیسی نجات‌دهنده ماست، اما او آن نوع نجات‌دهنده‌ای نیست که ایوب در اینجا به دنبالش است. بنابراین، ایوب به دنبال کسی نیست که مجازات گناهانش را بپذیرد و او را توجیه کند. او به دنبال تبرئه است، نه توجیه. او فکر نمی‌کند که سزاوار هیچ مجازاتی است که شخص دیگری برای آنها در نظر می‌گیرد. تبرئه قطعاً چیزی نیست که عیسی ارائه دهد. ایوب انتظار دارد کسی نقشی را ایفا کند که کاملاً برعکس نقشی است که عیسی ایفا می‌کند.

□□□□ ایوب نیست [۱۴:۵۸-۱۴:۰۳]

در نظر گرفتن عیسی به عنوان □□□□ در کتاب ایوب، عاملی تحریف‌کننده در تفسیر کتاب است و برخلاف امید و آرزوی ایوب عمل می‌کند. عیسی پاسخی به مشکلات مطرح شده در کتاب ایوب نیست، اگرچه او پاسخی به مشکل بزرگتر گناه و فروپاشی جهان است. مرگ و رستاخیز عیسی واسطه‌ای برای گناه ما هستند، اما پاسخی برای اینکه چرا در جهان رنج وجود دارد یا چگونه باید در مورد خدا فکر کنیم وقتی زندگی اشتباه پیش می‌رود ارائه نمی‌دهند. این کاری است که کتاب ایوب انجام می‌دهد و ما باید با این کتاب به گونه‌ای رفتار کنیم که بتوانیم پیامی را که در صفحات آن وجود دارد، درک کنیم.

این دکتر جان والتون و تعلیماتش در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۵ است. ایوب ۱۹:۲۵

[14:58]